

نقش پدر در تربیت کودک

در یک خانواده پویا که پدری منطقی و آگاه در آن مسئول است وحدت فکری و اخلاقی به صورتی زیربنایی بین والدین و فرزندان حاکم می شود.



خبرگزاری مهر- در یک خانواده پویا که پدری منطقی و آگاه در آن مسئول است وحدت فکری و اخلاقی به صورتی زیربنایی بین والدین و فرزندان حاکم می شود.

گفتار پدر سند و حضور او اطمینان بخش و آرامش دهنده است. وجود پدر موجب گرمی و شادی کانون خانوادگی است.

نحوه برخوردها، روش و شیوه‌های محبت و بسیاری مسایل دیگر برای کودک درس آموز و تعیین کننده می باشد. روابط واقعی با فرزندان این است که بتواند درک کند که چه مسائلی در ذهن کودکشان می گذرد. توانایی والدین بایستی در آن حدی باشد که از طریق پیامها و کلمات کودکان به احساسات آنان پی برده باشد.

پدر می تواند امنیت بخش و نان آور خانه و همین طور حلال مشکلات خانواده باشد. نقش وی از همان اولین روزهای ازدواج آغاز می شود و پناهگاه، حامی و یاور زن و فرزندان می شود. اوست که در برابر مشکلات و سختی ها سنگ صبور است.

پدر در خانواده یک رئیس خوب و مهربان است. او مسئول است که با تقسیم مسئولیتها، براساس توان و ظرفیت هر یک از اعضای خانواده به محیط گرم خانوادگی نظم و انضباط و یگانگی ببخشد، پدر عامل وحدت در خانواده است که در نهایت به انجام وظایف هر یک از اعضای خانواده کمک مؤثری می کند.

در یک خانواده پویا که پدری منطقی و آگاه در آن مسئول است وحدت فکری و اخلاقی به صورتی زیربنایی بین والدین و فرزندان حاکم می شود.

پدر وظیفه دارد که به صورتی قابل قبول، در رسیدگی، راهنمایی و حمایت فرزندان خود، چه پسر و چه دختر کوشا باشد و موجبات رشد و تحول آنها را از هر جهت فراهم کرده و بین فرزندان دختر و پسر خویش تبعیض قائل نشود. پدر باید نیازهای دخترش را برآورده سازد و مهربان و صبور باشد.

پدر باید اجرا کننده انضباط و عامل اعتدال و امنیت برای دخترش بوده و دشواریها و کاستیهای زندگی اش را از میان بردارد. پدر باید با راهنمایی و هدایت دختر، او را از لغزش و خطا به دور دارد. و در صورت اشتباه و خطا سعی کند که آن را اصلاح و رفع کند او باید در دادن نقشهای مردانگی به پسر نقش بسزایی ایفا کند.

پدر وظیفه دارد که به صورتی قابل قبول، در رسیدگی، راهنمایی و حمایت فرزندان خود، چه پسر و چه دختر کوشا باشد و موجبات رشد و تحول آنها را از هر جهت فراهم کرده و بین فرزندان دختر و پسر خویش تبعیض قائل نشود.

پدر می تواند با تطبیق دادن پسرش بر اساس طرز فکر و نیازهای شخصی، پسر را دارای رفتارهای مردانه کند و عملاً او را وارد عرصه پرشتاب زندگی کند چون پسران قادر نیستند از کودکی رشدی مردانه بیابند. پدر به هیچ وجهی نبایستی فرزند خود را به سمت نافرمانی و عصیان بکشانند که این خود سبب می شود که انحرافات دیگر در او رشد پیدا کند و لغزشها و انحرافات مختلفی را در بر خواهد داشت. پدر همواره الگوی خانواده و مخصوصاً پسران خانواده است. آرزوی بزرگ پسر این است که همچون او باشد و همچون او رفتار کند.

مرگ پدر در بسیاری موارد برای کودک ضایعه‌ای بس عمیق است و این خلأ می‌تواند براساس شرایط، سن، درک، فهم و هوش او تأثیرات مختلفی داشته باشد. عوارض مختلفی می‌تواند در زمینه متعدد ذهنی و روانی، عاطفی به وجود آید. پدر زمانی که با مرگ خویش، خانواده‌اش را از مدیریت خود محروم می‌کند، در فرزندش تحول عظیم روحی ایجاد می‌شود که تحمل آن برای بسیاری از کودکان دشوار است و موجب به هم خوردن تعادل روحی و روانی آنان می‌شود.

مرگ پدر ممکن است در کودکان ایجاد استرس و اضطراب و ناامنی کند و آنان را به سختی سوق دهد که به نابسامانی روانی کشیده شوند و رابطه آن‌ها از محیط اطراف گسسته و قدرت و قوای بسیاری کارها و برنامه‌ریزی‌ها از آنان سلب و گرفته شود.

امروزه به اثبات رسیده که گرمی و محبت کانون خانوادگی از مهم‌ترین و مؤثرترین عوامل تقویت سازگاری و دوری از انحرافات و آلودگی‌هاست و کودک در سایه این کانون و پناهگاه، راه و رسم زندگی را یاد گرفته و مسئولیت قبول کرده و اجتماعی می‌شود. او یاد می‌گیرد که چگونه با دشواری‌های زندگی مقابله کند.

بنابراین در راه تربیت، هر یک از والدین نقش‌های بی‌شماری را بر عهده دارند، در این بیان نقش تربیتی پدر بسیار مهم است. پس پدر به خاطر الگو بودن در اعضای خانواده، وظیفه‌ای بس عظیم و مهم برعهده دارد و مسئولیت او در اینباره بسیار سنگین است. پدر برای فرزند یک الگوی تمام عیار است و وجودش برای او آموزش‌های متعددی را در بر دارد.